



چهارمین جشنواره فیلم فجر

گزارش میلا جلیلزاده

هر کدام از دوره‌های جشنواره فیلم فجر رنگ و لعاب خودش را داشته. جنگ، سازندگی، اصلاحات، حوادث پس از سال ۸۸، مدیریت فرهنگی پس از سال ۹۲، جشنواره‌ای که پس از سقوط هواپیمای اوکراینی برگزار شد، جشنواره‌های قرنطینه‌های همزمان با پاندمی کرونا، جشنواره‌ای که در سال پراپتاپ ۱۴۰۱ برگزار شد و هزار و یک اتفاق ریز و درشتی که در این میان رخ داد، همگی خاطراتی اند که نسبت تحولات اجتماعی ایران با جشنواره فجر را نشان می‌دهند اما فجر چهل‌وسوم از این لحاظ شرایطی بی‌مانند دارد که دولت مستقر در ابتدای امسال بی‌اینکه پیش‌بینی تحولات پیش‌رو را بکند، برای برگزار این رویداد برنامه‌ریزی کرده بود و به ناگاه اتفاقی تلخ رخ داد که باعث شد با تغییر کارگزاران اجرایی کشور، سررشته بسیاری از این برنامه‌ها در هوای پلانتلیفی رها شود و فجر، بازی گر جدیدی را بطلاند.

حادثه سقوط بالگرد رئیس‌جمهور ریسی و همراهانش در ۳۰ اردیبهشت امسال که منجر به برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن مسؤولان اجرایی جدید شد، تکان شدیدی بود که کسی آن را پیش‌بینی نمی‌کرد. حالا با فوری‌ترین تغییر که پس از ۲ سال برگزاری پرچایش‌ش توسط دبیری که با رئیس سازمان سینمایی کاملاً همسو به نظر نمی‌رسید، بالاخره توانسته بود از سد محتجی امینی بگذرد، خود محمد خزاعی به عنوان رئیس سازمان سینمایی حکم دبیری آن را هم از وزیر ارشاد دریافت کند قرار است برگزار شود. تولیدات سینمایی کشور هم با همان دست‌فرمانی که محمد خزاعی تعریف کرده بود داشت پیش می‌رفت و حال‌نه خزاعی، نه امینی و نه زین‌العابدین سر کار نیستند و نه حتی بیرون از دولت، کسی مثل احسان محمدحسینی که رئیس سازمان اوج بود، مدیران متعدد دیگری هم در دولت یا بیرون از دولت، امروز دیگر روی کار نیستند. راند فریدزاده که پیش از روی کار آمدن دولت شهید رئیسی در بنیاد فارابی، معاونت بین‌الملل را بر عهده داشت و در ۳ سال دولت سیزدهم مورد اعتماد محمد خزاعی هم قرار گرفته بود، حالا خود در جایگاه خزاعی نشست و قرار است با گلچین کردن فیلم‌هایی که در دوره مدیریت قبل ساخته شده‌اند، جشنواره‌های برگزار کند که همه چیزش شبیه دوره مدیریت قبلی نیست. به عبارتی هنر راند فریدزاده و منوچهر شهسوری که به عنوان دبیر فجر چهل‌وسوم انتخاب شده، می‌تواند این باشد که با همین سینماگران، با همین فیلم‌ها، با همین تولیدکنندگان فیلم‌ها و با همین بدنه رسانه‌ای پوشش‌دهنده رویداد فجر، به نوعی از تعامل برسد که همگی اینجا را خانه خودشان بدانند و تنش‌ها به حداقل برسد و نشاط به حداکثر.

این یعنی مدیران جدید سازمان سینمایی باید با رنگ‌هایی که در پالت نقاش قبلی باقی مانده، طرح نیمه‌کاره او را طوری کامل کنند که معنای جدیدی بدهد. ترکیب چنین اراده‌ای با ریل‌گذاری‌هایی که از قبل انجام شده و در بهمن ۱۴۰۳ سینمای ایران را سرجمع به این بضاعت و به این مقدار مایه رسانده، سرجمع می‌شود جشنواره‌ای که ۳۷ فیلم از جمله ۴ انیمیشن در بخش سودای سیمرغ آن شرکت کرده‌اند و نهایتاً ۱۰ فیلم قرار است در بخش‌های ویژه برای مخاطبان فجر نمایش داده شوند و اگر اتفاق خاصی نیفتد، قرار شده چند فیلم حاشیه‌داری که از عدم نمایش بعضی از آنها سال‌ها می‌گذرد هم بین‌شان باشد. البته یکی از فیلم‌های بخش مسابقه به دلیل اختلافی که بین تهیه‌کننده و کارگردان آن بر سر مالکیت فیلم رخ داد، از جشنواره کناره گرفت و ممکن است برای بعضی فیلم‌های دیگر هم چنین اتفاقی بیفتد اما این تغییری در شناخت مشی مدیران این دوره از فجر و نوع تعامل‌شان با سینماگران طیف‌های مختلف از یکسو و نوع فیلم‌هایی که در سینمای ایران ساخته می‌شوند از سوی دیگر، ایجاد نمی‌کند.

یک نگاه کلی به ترکیب فیلم‌هایی که امسال در فجر حضور دارند به وضوح نشان می‌دهد تلاش شده تمام رنگ‌های سینمای ایران در ترسیم این تابلو به کار گرفته شده باشند؛ از فیلم‌هایی با موضوع مقاومت و دفاع مقدس که اگر یکی دو مورد به آنها اضافه می‌شد، می‌توانست یک جشنواره جداگانه موضوعی را تأمین کند، تا کمدی‌هایی که حتماً چند موردشان بفروش خواهند شد و معمولاً مثال آنها را در فجر نمی‌دیدیم و البته انواع فیلم‌های دیگر که اصطلاحاً اجتماعی، معناگرا، تاریخی و ورزشی هستند. این ترکیب حاصل نگاه است که می‌خواهد یک آشتی‌کنان بزرگ در سینمای ایران را بیندازد و به‌علاوه نگاهش به این فستیوال با تمام فستیوال‌های دیگر دنیا فرق دارد. یعنی فجر قرار نیست طبق قواعدی که جشن‌ها و جشنواره‌های سینمایی دیگر در سایر نقاط دنیا برگزار می‌شوند، بر گزار شود و یک رویداد فرهنگی ملی است که بنا به ضرورت‌های بومی قواعد خود را پیدا کرده است. یک نکته مهم دیگر درباره فجر چهل‌وسوم چهره جوان آن است. امسال غیر از ۳ فیلمساز پیشکسوت یعنی ابوالفضل جلیلی، رسول صدرعاملی و ابراهیم

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ نگاهی به فیلم‌های فجر ۴۳

۳ جشنواره با یک بلیت

حاتمی‌کیا، باقی کارگردان‌ها همه جوان هستند. این ۳ فیلمساز هم متعلق به نسلی هستند که اصطلاحاً سینماونین خوانده می‌شد و همگی بعد از انقلاب وارد کار حرفه‌ای شدند. چهره جشنواره فیلم فجر در چند سال اخیر دوره به دوره جوان‌تر می‌شد و حالا به جایی رسیده که کم و بیش همه پذیرفته‌اند دفتر کارگردانان سینمای ایران در حال ورق خوردن است. شبیه این اتفاق یک بار در دهه ۶۰ هم افتاده بود و آن ادوار از جشنواره، نام‌هایی را در خود داشت که همان روزها چندان شناخته‌شده نبودند اما امروز درباره بعضی از آنها چندین جلد کتاب نوشته شده است.

نسل که عوض می‌شود، زاویه‌های نگریستن به مسائل هم عوض خواهد شد و به‌تبع تولد مجدد سینمای ایران، تحلیل‌گران جدیدی هم می‌طلبد. یعنی باید منتظر این باشیم که نسل منتقدان سینمای ایران هم عوض شود و قالب‌های گذشته در نگاه به فیلم‌ها تغییر کند. در ادامه شمای کلی جشنواره فجر امسال بررسی شده و یک طبقه‌بندی موضوعی بین فیلم‌های حاضر در آن انجام شده است. از آنجا که در فجر سال ۱۴۰۳ نمایندگان از تمام طیف‌های سینمایی کشور حضور دارند، نگاه به این طبقه‌بندی موضوعی می‌تواند به نوعی یک نگاه کلی به سمت و سوی تولید در سینمای ایران هم باشد؛ چه اینکه اگران، داستان جداگانه خود را دارد و ما معمولاً برای بررسی شمایل کلی سینمای ایران، ماحصل کارگردان سالانه را می‌بینیم و همین باعث می‌شود بعضی از فیلم‌هایی که تولید شده‌اند و وجود دارند اما اگران خوبی نصیب‌شان نمی‌شود، در ارزیابی‌های کلی کمتر در نظر گرفته شوند. پس در نظر بگیریم به رغم اینکه بعضی فیلم‌های فجر ۱۴۰۳ در سال ۱۴۰۴ پر فروش‌های گیشه خواهند بود، بعضی‌های دیگر ممکن است خیلی دیر اکران شوند یا اکران موقتی نصیب‌شان نشود و همین‌جا، یعنی فجر چهل‌وسوم جایی است که می‌شود تمام آنها را دید. به عبارتی فجر امسال با تنوع کسب‌افزایش می‌تواند نشان دهنده چه در سر سینمای ایران می‌گذرد. با فیلم‌های مقاومت دفاع مقدس این جشنواره می‌شود یک فستیوال جداگانه برگزار کرد. همچنین فیلم‌های اجتماعی و معناگرایانه این دوره می‌توانستند یک جشنواره جداگانه دیگر را تأمین کنند و آثار انیمیشن و کمدی آن هم می‌شد فستیوالی مستقل برگزار کرد. قبل از مطالعه این فهرست، توجه به این نکته لازم به نظر می‌رسد که نام بعضی فیلم‌ها ذیل ۲ عنوان محتوایی تکرار شده است که البته چنین مواردی بر تعداد نیستند.

■ **مقاومت و دفاع مقدس؛ ۹ فیلم**
امسال ۹ فیلم در حوزه مقاومت و دفاع مقدس در جشنواره فجر داریم که ۵ مورد آن برتره سرداران شهید است. ۲ فیلم دیگر درباره فعالیت گروهک‌های معاند در سال‌های ابتدای انقلاب هستند و یک فیلم دیگر، هم می‌تواند اجتماعی ارزیابی شود و هم در حوزه دفاع مقدس. فیلم «هیساد» همان‌طور که از نامش پیداست درباره شهید خلیان علی سیداشیرازی است و به مقطعی از زندگی او پرداخته که به غائله کردستان ورود می‌کند. «خدای جنگ» تصویری از پدر موشکی ایران شهید طهرانی‌مقدم است و «پیشمرگ» درباره شهید سعید قهاری. نکته جالب اینکه امسال ۲ فیلم درباره شهید علی هاشمی ساخته شده؛ یعنی «سفند» که به فعالیت‌های او تا سوم اسفندماه سال ۶۲ و عملیات خیر می‌پردازد و «شک‌هور» که درباره مادر شهید علی هاشمی است. از آن‌سو درباره غائله آمل هم ۲ فیلم ساخته شده؛ یکی «شمال از جنوب غربی» که به زمینه‌های ایجاد یک بلوا در شمال کشور، دارد و دیگری «بازی خونی» که کمی زمان روایت را جلوتر برده است. طبیعتاً کارگردان‌های این فیلم‌ها دوست داشتند فیلم‌شان در دوره‌ای به فجر بیاید که یک فیلم دیگر با همان موضوع در رقابت حاضر است و نه ارگان‌های حامی این فیلم‌ها چنین چیزی را می‌خواستند، روی همین حساب ناهماهنگی این ارگان‌ها با همدیگر که به چنین نتایجی منجر می‌شود، محل نقدهای زیادی قرار گرفته است. البته از آنجا که ذهنیت فیلمسازان مختلف کاملاً یکسان نیست، این ۲ جفت فیلم هم به لحاظ مقطع زمانی روایت‌شان همپوشانی پیدا نکرده‌اند اما تنها فیلم دفاع مقدسی امسال که هم دفاع مقدسی است و هم سرع مردم معمولی رفته و نه برتره‌ای ترسیم می‌کند و نه حتی به یک اتفاق تاریخی مشهور اشاره دارد، «بچه مردم» است؛ فیلمی که بر مردمک بچه‌های بهزیستی نشسته و اتفاقات آن دوران را می‌بیند.

■ **سینمای اجتماعی؛ ۱۲ فیلم**
خیلی‌ها در ایران می‌گویند سینمای اجتماعی ژانر نیست، در حالی که این حرف غلط است و سینمای مساله‌محور اجتماعی (Social problem film) در خارج از ایران کاملاً به عنوان یک ژانر شناخته شده و هم درباره خصوصیات این ژانر و هم تاریخچه‌اش کتاب‌ها و مقالات فراوانی وجود دارد. امسال فیلم‌های زیادی با درونمایه اجتماعی به جشنواره فیلم فجر آمدند که ۲ موردشان واجد فضاهای سورئال یا اصطلاحاً معناگرایانه هم بودند. یکی از این ۲ فیلم به دلیل اختلاف بین تهیه‌کننده و کارگردانش، در تاریخ مقرر که ۸ بهمن‌ماه بود به دبیرخانه فجر ارائه نشد و از رقابت‌ها کنار رفت و دیگری با نام «لولی» که فضایی نمادین دارد، به عنوان موضع دوشم به مساله مهاجران افغانستانی هم می‌پردازد. باقی فیلم‌های این فهرست که شامل ۱۲ اثر می‌شود می‌توانند مشخصاً ذیل تعریف ژانر اجتماعی قرار بگیرند. شخصیت اصلی یکی از این فیلم‌ها محیط‌بان است و در یک مورد دیگر هم به

مساله محیط‌زیست و رابطه انسان با طبیعت اشاره شده است؛ «ناور دشت» و «خاتی» در «ابستن» سودای مهاجرت و چارچوب‌مندی روابط انسان‌ها یا عدم آن مورد اشاره قرار گرفته است. در «امرد آرام» «ترک عمیق»، گذشته مردهایی که سن و سالی از آنها گذشته کابویده می‌شود و «ها» یک داستان تلخ و گریز اجتماعی دارد که با زندگی شهری در دوران معاصر پیوند می‌خورد. فیلم «زبیا صدایم کن» که در قواره روزهای خوب فیلمسازی رسول صدرعاملی ظاهر شده هم صمیمانه و پدراانه است.

فیلم «سونوسوز» هم که یک کمدی به زبان ترکی است، تم اجتماعی دارد. «بازی را بکش» به مساله قمار در فوتبال می‌پردازد. «شهر ستاره» داستانی خانوادگی دارد و «گوزن‌های اتوبان» مسائل مربوط به فضای مجازی را مورد اشاره قرار داده است. «دست‌تپا» سرع زبانه‌گردارفته، «مارپا» به آموزشگاه‌های بازیگری رفته و «چشم‌بادومی» سرعای از موج کرامی و علاقمندی دختران نوجوان ایرانی به خواننده‌های کی‌پاپ گرفته است. فیلم «بچه مردم» هم به نوعی ممکن است اجتماعی به نظر برسد؛ خصوصاً از آنجا که با محیط بهزیستی ارتباط دارد اما داخل این ژانر تعریف نمی‌شود چون زمان روایت آن به گذشته مربوط می‌شود. دختران نوجوان ایرانی به خواننده‌های کی‌پاپ گرفته می‌توان درونمایه‌های اجتماعی را دید؛ از جمله بعضی فیلم‌های کمدی؛ اما این باعث نمی‌شود که آنها را بتوانیم ذیل ژانر اجتماعی تعریف کنیم.

■ **کمدی؛ ۵ فیلم**
حضور فیلم‌های کمدی در جشنواره فجر اتفاق بی‌سابقه‌ای نیست و «مردی که زیاد می‌دانست»، «کفش‌های میرزاآروروز» و «جار نشین‌ها» در دهه ۶۰ تا ۴ کمدی «تمساح خونی»، «صبحانه با زرافه‌ها»، «۲۰۲ دیرتر» و «پاراتچی» در فجر سال گذشته، نمونه‌های متعددی را در این زمینه می‌توان سراغ گرفت. حتی در ادوار گذشته جغیر می‌توان حضور کمدی بسیار ضعیفی مثل «زدان خیابان جردن» را دید که طبق قانون آن دوران به علت کیفیت فنی بسیار پایین نباید حتی مجوز اکران می‌گرفت چه رسد به اینکه در فجر حاضر باشد.

در عوض موارد متعددی از برچسب‌زنی به بعضی کمدی‌ها که مانع حضورشان در فجر شده را هم می‌توان سراغ گرفت و این تناقض همچنان ادامه پیدا کرد. مثلاً فیلم «زهرمار» از جواد رضویان به‌رغم کیفیت بسیار نازلش در فجر چند سال پیش حاضر بود اما کمدی «هفتاد - سی» از بهرام افشار که سال گذشته متقاضی حضور در جشنواره شد، این امکان را به دست نیاورد. امسال اما کمدی‌ها حضور پررنگی در فجر دارند و سازندگان‌شان هم از طیف‌های مختلفی هستند. حتی در این دوره چند فیلم‌اولی ناشناس داریم که با کمدی به جشنواره آمده‌اند. یک نکته قابل توجه در آثار کمدی این دوره تاریخی شدن بسیاری از آنهاست؛ یعنی تاریخ معاصر. از ۵ فیلم کمدی که امسال در بخش مسابقه فجر حضور دارند، یکی به نام «سونوسوز» که ذیل عناوین اجتماعی هم به آن اشاره شد، موردی خاص است که با تعریف عام و متداول این روزها از کمدی اندکی تفاوت دارد. «کفایت مذاکرات» در روزگار فعلی می‌گذرد و همان‌طور که از پوستر آن هم پیداست به موضوع رحم اجاره‌ای مربوط می‌شود و ماجرای ۳ فیلم دیگر در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی می‌گذرد.

■ **تاریخی**
تاریخی همیشه در جشنواره فجر حضور داشته باشد، چون اساساً انیمیشن بلندی ساخته نشده بود. نخستین بار که پای یک انیمیشن بلند سینمایی به فستیوال فیلم فجر باز شد، سال ۸۹ بود که وحید نسیمیران «قلب سیمرغ» را کارگردانی کرد و توانست سر وقت به دبیرخانه برساند. سال بعد نوبت به «تهران ۱۵۰۰» به کارگردانی بهرام عظیمی رسید و این روند تا چند سال به طور جسته و گریخته ادامه داشت. در بعضی سال‌ها تنها یک انیمیشن ساخته شده بود یا هیچ موردی وجود نداشت و در بعضی سال‌های دیگر تعدادشان بالاتر می‌رفت تا اینکه در سال ۹۴ به طور همزمان ۸ انیمیشن به فجر رسیدند.

اینجا بود که اختصاص دادن یک بخش مجزا به پویانمایی معنا پیدا کرد اما بلافاصله در سال بعد باز وضع به حالت سابق برگشت و از آنجا که فقط انیمیشن «پشت دروازه بهشت» در جشنواره حضور داشت، وجود بخش مجزایی برای پویانمایی معنا نمی‌داد. به طور کل بخش پویانمایی جشنواره معمولاً دچار چنین وضعی است و تا به حال هیچ‌کدام از مدیران توانسته‌اند روی اینکه در همان سال بویزه لاق ۳ یا ۴ انیمیشن در جشنواره داشته باشند حساب کنند تا بخش مجزایی به آن تعلق بگیرد، روی همین حساب می‌توان بخش انیمیشن جشنواره فجر را یک بخش گردشی دانست که به فراخور تعداد آثار هر دوره، ممکن است به طور مجزا برگزار شود یا نباشد. امسال ۴ انیمیشن توانستند در موعد مقرر نسخه نهایی‌شان را به هیات انتخاب پس از آن دبیرخانه جشنواره فجر برسانند که همین باعث شد بخش مجزایی برای آنها در دوره چهارم تعییه شود. «افسانه سپهر»، «ژولیت و شاه»، «ژال و دروازه» و سری «دوم پسر دلفینی» که نسخه قبلی آن با توجه به فروشی که در روسیه داشت سودآورترین فیلم تاریخ سینمای ایران شد، این ۴ انیمیشن هستند

لحاظ محتوایی هم احتمالاً مشتريان خوبی خواهد داشت همان‌طور که سریال «یوسف پیامبر» داشت. با این حال به نظر می‌رسد تا رسیدن به نقطه‌ای که در سینمای ایران مستقل‌برای تولید یک پروژه سینمایی بتوانند به طور موفقیت‌آمیزی مخاطبان علاقمندان را در سالن‌های تارک سینما پیدا کنند، راه زیادی در پیش است. اگر اکران موسی کلیم‌الله موفقیت‌آمیز باشد (که احتمال آن بعید نیست)، ممکن است در این مسیر هم گشایشی ایجاد شود. از یاد نبریم که تجربه نه‌چندان موفق ملک سلیمان نه‌تنها مسیر این نوع فیلمسازی را تا مدت‌ها در سینما و تلویزیون ایران با اختلال مواجه کرد، بلکه کارگردان آن پروژه را که یکی از فیلمسازان با استعداد سینمای ایران بود، به گوشه‌های کشاند و پس از این پروژه، تا مدت‌ها خبر چندانی از شهریار بحرانی نبود. حالا اما موسی می‌تواند اندکی از آن عزم از دست رفته را بازگرداند.

■ **فیلم درباره سینما، ۲ فیلم درباره فوتبال**
سال گذشته یکی از فیلم‌های پرفرادر جشنواره که جایزه فیلمنامه را هم برنده شد «پرویزخان» بود، درباره سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران. پروژه پرویزخان تمام دشواری‌های ساخت یک فیلم کاملاً ورزشی را در خود داشت و از این جهت یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شد. قبل از آن هم فیلم‌های فوتبالی دیگری داشتیم مثل «بیرو» که در سراسر دروازه‌بان تیم ملی ایران بود یا «تختی» و «غلامرضا تختی» که فاصله کمی دو دهه که درباره یکی از کشتی‌گیران معروف ایرانی بودند. امسال اما ۲ فیلم فوتبالی داریم که هر ۲ به موضوعی خارج از مستطیل سبز معطوف هستند؛ «۱۹۶۸» درباره بازی تیم ایران و رژیم صهیونیستی در جام ملت‌های آسیا است و «بازی را بکش» به شرط‌بندی‌های مرگبار در بسازی فوتبال می‌پردازد. «بازی را بکش» را از این لحاظ می‌توان با فیلم «تومان» که آن هم به فرجام تلخ قمار می‌پردازد، مقایسه کرد.

اما خود سینما هم در این دوره جزو موضوعاتی بوده که بعضی فیلم‌ها به آن پرداخته‌اند. در هر چند دوره از جشنواره فجر می‌توان فیلم‌هایی را سراغ گرفت که موضوع‌شان خود سینماست. مثلاً سال گذشته «پاراتچی» را داشتیم و چند سال قبل از آن فیلمی مثل «گنجیگاه» را. امسال اما در بخش

